





سرشناسه	: عاملی، کریم، - ۱۳۴۰
عنوان قراردادی	: مثنوی. شرح
عنوان و نام پدیدآور	: توکل در مثنوی مولوی / کریم عاملی.
مشخصات نشر	: تهران: میراث فرهنگی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهري	: ۸۵ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	: 978-622-7952-48-3
وضعیت	: فیبا
فهرستنویسی	
موضوع	: مولوی، جلال الدین محمدبن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۴ق. مثنوی -- توکل
موضوع	: Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn-e Mohammad,
1207 - 1273 . Masnavi -- Trust in God	
موضوع	: مولوی، جلال الدین محمدبن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. مثنوی -- نقد و تفسیر
موضوع	: Mowlavi, Jalaloddin Muhammad ibn Muhammad, 1207-1273
Masnavi-- Criticism and interpretation	
موضوع	: توکل در ادبیات
Trust in God in literature	
شعر فارسی -- قرن ۷ق. -- تاریخ و نقد	
Persian poetry -- 13th century -- History and criticism	
شناسه افزوده	: مولوی، جلال الدین محمدبن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. مثنوی
شناسه افزوده	: Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn Mohammad, 1207-1273.
Masnavi	
ردہ بنڈی کنگرہ	: PIR۵۳۰۷
ردہ بنڈی دیوبنی	: ۸۱/۳۱
شمارہ کتابشناسی	: ۸۷۷۶۱۷۵
ملی	
اطلاعات رکورد	: فیبا
کتابشناسی	

توکل در مشنی مولوی

کریم عاملی



توكل در مثنوی مولوی

کریم عاملی

صفحه‌آرا و طراح جلد: علی قبریان

ناشر: میراث فرهیختگان MirasFarhikhtegan Publications

۰۹۱۲۸۵۱۹۹۸۵ و ۰۹۱۵۵۴۰۷۶۵

ناظر چاپ: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض

Novin Pazhuhesh Favyaz Art and Cultural Institute

چاپ اول / اسفند ۱۴۰۰ شمسی / شمارگان: ۲۰۰ نسخه

محل نشر: تهران / قطع: رقعی / قیمت: ۴۰ هزار تومان

مالکیت مادی و معنوی این اثر برای مؤلف محفوظ است

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۷۹۵۲-۴۸-۳

ISBN: 978-622-7952-48-3



فهرست

۷	مقدمه
۱۳	توکل
۱۸	مراتب توکل
۲۰	توکل در کتاب شریف معراج السعاده
۲۳	حقیقت توکل و فلسفه آن
۲۵	فلسفه توکل
۲۹	توکل بر خداوند
۳۲	روح توکل
۳۸	توکل در نظر محققان
۴۱	توکل و جهد در مثنوی
۴۹	ادله‌ای که برای ضرورت کارو کوشش گفته می‌شود
۵۴	ترس مرد ساده‌لوح از نگاه عزاییل به او
۶۸	توکل زاهد
۷۵	کار در اسلام
۸۴	منابع

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...»

و هر که بر خدا توکل کند خدا او را کفاایت خواهد کرد...»^۱

گر توکل می کنی در کار کن

کشت کن پس تکیه بر جبار کن^۲

از یک نظر و دیدگاه انسان‌ها را می‌توان به سه گروه ذیل تقسیم‌بندی

نمود:

گروه اول؛ کسانی هستند که همه امتیازات و پیشرفت‌های زندگی خود را مرهون فعالیت‌های خود دانسته و مسبب اصلی تمام پیروزهای زندگی خود را نیز نتیجه تلاش و جهد خود می‌دانند ولا غیر.

جان بده از بهر این جام ای پسر بی جهاد و صبر کی باشد ظفر^۳

گروه دوم؛ نیز کسانی هستند که همه موفقیت‌ها و سربلندی‌های خود را مدیون توکلی می‌دانند که به خداوند متعال داشته ودارند و چندان اعتقادی هم به جهد و کوشش ندارند و پاییند به فعالیت نیز نیستند،

۱. طلاق - ۳.

۲. مشوی معنوی - مولوی (دکتر سبحانی) دفتر اول بیت ۹۵۲.

۳. مشوی معنوی (سبحانی) دفتر سوم بیت ۲۱۱.

بیشتر توکل دارند و کمتر فعالیت، ناکامی‌های زندگی را نیز ناشی از همین اعتقاد می‌دانند و بر آن راضی هستند.

گفت من به از توکل بر ربی می‌نداشم در دو عالم مکسی^۱
و گروه سوم؛ نیز کسانی هستند هم امتیاز گروه اول را دارند یعنی هم تلاش و کوشش و فعالیت می‌کنند و هم از خوبی و ویژگی گروه دوم برخوردارند، یعنی به خداوند منان توکل دارند، تلاش می‌کنند و امیدوارند، جهد می‌کنند و با خدایند، از سستی و کاهلی به دور هستند و لحظه‌ای نیز از توکل غفلت نمی‌ورزند، به راستی که عقیده و اعتقاد این گروه چه زیبا و والا و ستودنی است. چنانچه گذشت؛

گر توکل می‌کنی در کار کن

کشت کن پس تکیه بر جبار کن^۲

در این مجتمعه سعی شده است در حد امکان و توان بحث و موضوع توکل از دیدگاه‌های مختلف و همچنین از دیدگاه مولوی در اثر بزرگ وارزشمند ش - مثنوی معنوی - با عنوان «توکل در مثنوی» بررسی شود. لازم به ذکر است که خوشبختانه در مثنوی مولوی نیز به این سه موضوع خصوصاً^۳ به اینکه ضمن تلاش و کوشش باید توکل و امید به

۱. مثنوی معنوی (سبحانی) دفتر پنجم بیت ۲۴۲۶.

۲. مثنوی معنوی - مولوی (دکتر سبحانی) دفتر اول بیت ۹۵۲.

خداآوند داشت به زیبایی اشاره شده است.

باتوجه به آنچه گذشت - توضیح بیشتر اینکه - عده‌ای از افراد جامعه در امورات و گذران زندگی تمام موفقیت‌های خویش را حاصل دسترنج و تلاش و جهد و کوشش خود می‌دانند، گویی چرخ عالم به دست توانای آنان در گردش بوده و هست، پیروزی‌های زندگی خود را نتیجه تفکر و زرنگی‌های خود می‌دانند و بر این باورند که یک سرو گردن از بقیه افراد بالاتر و بلندتر هستند.

خدا به صراحة می‌فرماید؛ «که علم و دانش انسان در کلیت نعمت‌ها نقشی ندارد؛ چنانکه می‌فرماید: ((فَإِذَا مَسَ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا حَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مَنَا قَالَ إِنَّمَا أُوتِينَاهُ عَلَى عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ: و چون انسان را آسیبی رسد ما را فرا می‌خواند سپس چون نعمتی از جانب خود به او عطا کنیم می‌گوید تنها آن را به دانش خود یافته‌ام، نه چنان است، بلکه آن آزمایشی است، ولی بیشترشان نمی‌دانند.^۱

بر همین اساس، وقتی قارون مدعی می‌شود که من این همه ثروت را با علم اقتصاد و تلاش‌های خود به دست آورده‌ام، خدا این تفکر و بینش و نگرش وی را مورد نقد قرار داده و به اصل اساسی سنت امتحان و ابتلاء توجه می‌دهد که هرچیزی از مصیبیت‌های خوب و بد در راستای

.۱. زمر، آیه ۴۹.

آزمون الهی است که مشخص شود که آیا شخص شکرگزار نعمت است یا کفر و کفران می‌ورزد و از نعمت‌های الهی به درستی در جای حق و عدل آن استفاده می‌کند یا نمی‌کند؟ از همین رو در اتقاد از تحلیل و تبیین قارونی می‌فرماید: (قارون) گفت: «این ثروت را بوسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام!»^۱

باید دانست که اینگونه افراد معمولاً دست سخاوت و بخشنده‌گی خود را از پشت بسته‌اند و از هر نوع کمک کردن به همنوع خود دریغ می‌ورزند، خسّت و تنگ نظری سراپایی وجود اینان را احاطه کرده است، حرص، آز، طمع و زراندوزی از صفات بارز اینگونه افراد است، تمام زندگی خود را - ضمن داشتن مال و منال - در اضطراب و نگرانی به سر می‌برند، از رنج دیگران بی‌خبرند و از شادی دیگران نیز غافل، تنها به خود می‌اندیشند و به خوشی خود، گویی بافته‌ای از مردمند که از روی اکراه و اجبار با مردم می‌زیند، غافل از اینکه بدون همیاری و همکاری و زحمات دیگران نمی‌توانسته‌اند به چنین امکاناتی دست یابند و اینگونه زندگی را بگذرانند، محاسبات آنان محسبات مادی و تمام خوشی‌های زندگی اینان نیز لذائند و خوشی‌های زود گذر دنیاست اینان را عقید بر این است که:

۱. روزنامه کیهان ۱۶ فروردین ۱۳۹۸

جان بده از بهر این جام ای پسر بی جهاد و صبر کی باشد ظفر^۱
 عده‌ای نیز (گروه دوم) بر عکس گروه اول به دور از هرگونه فعالیت
 چشمگیر و بدون برنامه‌ریزی حساب شده، کارها را به خداوند محول
 نموده و با تکیه و توکل بر او، سستی و کاهلی خود را توجیه می‌کنند و
 می‌گویند توکل ما بر خدادست. البته بر هیچ موحد یگانه‌پرستی پوشیده
 نیست که باید درهمه کارها و امور زندگی به خداوند توکل نمود، مگر به
 راستی بدون توکل به خداوند هم می‌توان زیست و ادامه حیات داد، بدون
 توکل شیرازه زندگی از هم گسسته و پاشیده خواهد شد، توکل بدون
 تلاش و کوشش زیبا و پسندیده نمی‌باشد، به معنای واقعی توکل آن
 است که همراه جهد و تلاش و فعالیت باشد. پس گروه دوم نیز چندان
 توجهی به فعالیت نداشته و ندارند و بر این باورند که:

گفت من به از توکل بر ربی می‌ندانم در دو عالم مکسبی^۲
 گروه سوم؛ نیز از جمله کسانی هستند که با تمام وجود در هر شرایطی
 ایمان و توکل بر خداوند دارند و لحظه‌ای نیز از جهد و کوشش دست
 بردار نیستند، موفقیت‌های خودرا ضمن تلاش فراوان مرهون لطف و
 عنایت خداوند می‌دانند، پیروزی و کامیابی خود را بدون نظر و رحمت

۱. مثنوی معنوی (سبحانی) دفتر سوم بیت .۲۱۱

۲. مثنوی معنوی (سبحانی) دفتر پنجم بیت .۲۴۲۶

خداؤند نمی‌بینند، به شدت از تبلی و کاهلی روی گردانند، تلاش می‌کنند و امیدوارند، عاقلانه می‌اندیشنند و از خداوند و توکل به او نیز غافل نیستند، در خدمت به همنوعان خود از یکدیگر سبقت می‌گیرند، سربار جامعه نیستند و چرخ اقتصادی... جامعه را به حرکت در می‌آورند، از فساد اقتصادی و احتکار به شدت بیزارند و دها و صدها امتیاز بر جسته دیگر را از آن خود کرده‌اند... به راستی که این گروه از افراد جامعه چه زندگی عاشقانه، عارفانه و عاقلانه دارند... و معتقد هستند که:

گر توکل می‌کنی در کار کن

کشت کن پس نکیه بر جبار کن^۱
در ضمن از حجت‌الاسلام علی قبریان برای زحماتی که در به ثمر رساندن این کتاب جهت چاپ کشیده‌اند تقدیر و تشکر می‌نمایم.
از خداوند متعال توفیق عمل به دستورات جاوید و حیات‌بخش اسلام را در تمام زمینه‌ها - جهت کسب رضای الهی - برای خود و همه خواهانم.

وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكُّلٌ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ^۲

کریم عاملی، تابستان ۱۳۸۲

ویرایش و بازنگری: سال ۱۴۰۰

۱. مثنوی معنوی - مولوی (دکتر سبحانی) دفتر اول بیت ۹۵۲.

۲. هود: ۸۸/۱۱

توكل

«... وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ... وَمُؤْمِنٌ بِإِيمَانِهِ يَوْمَ الْحِسْبَرِ... وَهُرَكَسْ بِرَبِّهِ تَوَكِّلَ كَنَّدٌ»^۱

«... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ... وَهُرَكَسْ بِرَبِّهِ تَوَكِّلَ كَنَدْ (پیروز می گردد) خداوند عزیز و حکیم است.»^۲

«توكل در لغت تفویض امر به سوی کسی است که بدرو اعتماد دارد و به معنای واگذاری شخص به امور خود را بر مالک و اعتماد بر وکالت او، و مالک شیء کسی است که مقتدر باشد بر آن در جهات مصالح. در اصطلاح سلاک واگذاری امور است بر مالک علی الاطلاق و بالجمله دلبستگی و اعتماد کامل به پروردگار است و این مقام از کمال معرفت است زیرا هر انسانی هر اندازه خدا را بهتر بشناسد و از قدرت و رحمت و حکمت او زیادتر آگاه گردد دلبستگی او به ذات بی همتا زیادت شود.

توكل مقام والایی است که جز خواص از عرف و موحدان آن را درک نمی کنند. به طور کلی معیار شناختن توكل، اعتماد به حق است و گستن از غیر.» مولوی گوید:

۱. آل عمران - ۱۶۰.

۲. انفال - ۴۹.

تکیه بر جبار کن تا وارهی^۱
ورنه افتی در بلای گمرهی^۲
به گفته‌ی زمخشری توکل، به معنای امور را فقط به خدا تفویض
کردن و فقط از او ترسیدن و به او امید داشتن است^۳ و شرط آن، سالم و
خالص کردن نفس برای خداست^۴.

طبرسی توکل را تفویض امور به خدا، خرسندی از تقدیر او، و اعتماد
به او و حسن تدبیرش^۵، تسلیم امر خدا بودن و به فعل و حکم‌ش رضایت
دادن^۶

لازمه توکل قوی به ذات باریتعالی معرفت و آگاهی به خداوند
می‌باشد، با توجه به آنچه گذشت هرچه دایره‌ی این آگاهی و بیشن و
معرفت وسیع‌تر باشد توکل انسان به خداوند نیز قوی‌تر و محکم‌تر خواهد
بود. انسان موحد و خداپرست جهت کسب موقیت‌ها، هم اسباب و
وسایل موقیت را آماده و فراهم می‌سازد و هم اعتماد و توکل به خداوند
را در خود بیشتر تقویت می‌کند، در این باره از مفسر بزرگ قرآن کریم
حضرت علامه طباطبائی آمده است:

۱. فرهنگ معارف اسلامی (دکتر سید جعفر سجادی) ج ۱ ص ۶۰۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۹۶.

۳. ج ۲، ص ۳۶۴ - مدرسه کتابخانه فقاهت.

۴. ج ۹، ص ۵۰، ج ۱۰، ص ۴۵۲، ۴۶۰-۴۶۱، ۴۹۵.

۵. ج ۴، ص ۷۴۶، ج ۶، ص ۴۵۰ - مدرسه کتابخانه فقاهت.

«بشر برای موفقیت در زندگی مادی احتیاج به دوگونه اسباب دارد؛ یکی اسباب مادی و طبیعی و دیگر اسباب روحی و معنوی. انسان برای رسیدن به هدف خویش پس از آن که علل و اسباب طبیعی آن را مهیا کرد دیگر مانعی در راه وصول او به هدف جز مهیا نبودن عوامل روحی نیست و آنگاه که قلب خود را با سیم‌های نامرئی اتکا و توکل، به دریای قدرت و عظمت الهی متصل کرد اراده و سایر صفات روحی او آن چنان قوی و نیرومند می‌شود که مغلوب دیگری نشده و در نتیجه به موفقیت قطعی نائل می‌گردد.

ودر توکل به خدا چنانکه در ظاهر آیه «... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بِالْغُ أَمْرِهِ...» برمی‌آید، جهات دیگری نیز از نظر خرق عادت هست...»^۱

در اربعین حدیث حضرت امام خمینی علیه السلام **در باب توکل این چنین آمده است:**

«بدان که از برای «توکل» معانی متقاربه‌ای با تعبیرات مختلفه نمودند به حسب مسالک مختلفه:

چنانچه صاحب منازل السائرین فرماید: «الْتَوَكَّلْ كَلَةُ الْأَمْرِ كَلَهُ إِلَى مالِكِهِ وَ التَّعْوِيلُ عَلَى وَكَالَّهِ»؛ یعنی «توکل» واگذار نمودن تمام امور

۱. تفسیر المیزان علامه طباطبائی.

است به صاحب آن و اعتماد نمودن است [بر] وکالت او.» و بعض عرفا فرمودند: التوکل طرح البدن فی العبودیة و تعلق القلب بالربوبیة. ؛ یعنی «توكل» انداختن بدن است در بندگی و تعلق قلب است به پرورندگی.» یعنی صرف قوای بدن را در راه اطاعت حق، و تصرف ننمودن در امور و واگذار نمودن آنها را به پروردگار. و بعضی گفته‌اند: التوکل علی الله انقطاع العبد فی جمیع ما یأمله من المخلوقین. یعنی «توكل بر خدا بریدن بنده است تمام آرزوهای خود را از مخلوق و پیوستن به حق است»

در قرآن شریف - این کتاب انسان‌ساز هدایتگر جاوید - نیز آیات فراوانی در باره توكل آمده است که در مناسبت‌های مختلف توصیه و سفارش به آن شده است، به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود.

«قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنَّ تَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مُّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ عَلَى مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَن نَّأْتِيْكُم بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۱)؛ وَمَا لَنَا أَلَّا تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبْلَنَا وَلَنَصِيرَنَّ عَلَى مَا آذَيْمُوْنَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (۱۲)» رسولان باز به کافران پاسخ دادند که آری ما هم مانند شما بشری بیش نیستیم لیکن خدا بر هرکس از بندگان که بخواهد (به نعمت بزرگ نبوت) منت می‌گذارد، و ما را نرسد که برای شما آیت و معجزی الا به اذن و دستور

خدا بیاوریم، و مؤمنان (در هر حال) باید تنها به خدا توکل کنند.^۱ و چرا
ما بر خدا توکل نکنیم در صورتی که خدا ما را به راه راستمان هدایت
فرموده؟ و البته (در راه اطاعت و رضای خدا) بر آزار و ستمهای شما
صبر خواهیم کرد، و ارباب توکل باید (در همه حال خوش و ناخوش)
تنها بر خدا توکل کنند.^۲

.۱. ابراهیم - ۱۱

.۲. ابراهیم - ۱۲

مراقب توکل

توکل بر خداوند، مراتبی دارد و انسان‌ها در توکل‌شان بر خداوند، مرتبه‌ای یکسان ندارند که البته این بسته به نوع توکل آنهاست. برخی تنها به زبان بر خدایشان توکل دارند، بعضی افراد فقط در پاره‌ای از امور بر پروردگارشان توکل می‌کنند، عده‌ای هم توکل‌شان با نگرانی و دودلی و نارضایتی همراه است و

در باره مراتب عالیه توکل، امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است: «در همه امور بر خدا توکل کنی و هرچه در باره تو کند، راضی باشی و بدانی که او هیچ خیر و فضلی را در باره تو دریغ نمی‌دارد و بدانی که حکم و فرمان در این باره با اوست. پس، امورت را به او واگذار کن و بر او توکل کن.»

همچنین در تبیین مراتب توکل آمده است:

از درجات بالای توکل، آن است که حال توکل‌کننده با خداوند خویش، مانند حال کودک با مادر خویش است. کودک جز مادرش کسی را نمی‌شناسد و جز برای او بی‌تابی نمی‌کند و جز به او به کسی اعتماد ندارد. همین که او را می‌بیند، در هر حالی که باشد، دامنش را می‌گیرد و از او جدا نمی‌شود.

اگر در غیاب مادر مشکلی برای کودک به وجود آید، اول چیزی که

بر زبانش جاری می‌شود، لفظ مادر است و نخستین چیزی که به قلبش خطور می‌کند، مفهوم مادر است؛ زیرا مادر، تنها پناهگاه اوست.

مولوی در این باره می‌گوید:

کای گزیده! دوست می‌دارم تو را
گفت موسی را به وحی دل خدا

موجب آن تامن آن افزون کنم

گفت: چه خصلت بود ای ذوالکرم

وقت قهرش دست هم بر روی زده

گفت: چون طفلی به پیش والده

هم به مادر آید و بر روی تد

مادرش گرسیلی ای بر روی زند

و نیز در جای دیگر درباره فرزند نوح چنین گفته است:

تا چو طفلان چنگ در مادر زدی

کاش چون طفل از حیل غافل بدی

تا طمع در نوح و کشتی دوختی

کاش کی او آشنا ناموختی^۱

۱. سید محمود طاهری، مولانا و توکل، ص ۱۵۸.